

بررسی

تاریخ آفرینندگی ویرانگری

● تاریخ معاصر اروپا جمهوری وایمار جایگاه خاصی دارد. جمهوری وایمار اولین تلاش برای ایجاد دموکراسی در آلمان بود که طی سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳ میلادی حکومت کرد. نام رسمی این حکومت نیز مثل حکومت قبلی امپراتوری آلمان بود. لیکن تاریخ‌نگاران از جمهوری وایمار به‌عنوان اصطلاحی برای نامگذاری دوره تاریخی بین پایان جنگ جهانی اول تا روی‌کارآمدن حکومت نازی‌ها در آلمان استفاده می‌کنند. پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول عهدنامه‌ای موسوم به معاهده ورسای بین آلمان و متفقین امضا شد که بر اساس این معاهده آلمان موظف شد ۱۲۳ میلیارد مارک غرامت بپردازد. نیروهای نظامی‌اش از حدی مشخص پیشروی نکنند و بخش‌هایی از امپراتوری آلمان نیز از آلمان جدا شد. جمهوری وایمار پس از فروپاشی نظام سلطنتی و فرار ویلهلم دوم به هلند در پایان جنگ جهانی اول به نام رایش وریاست جمهوری سوسیال‌دموکراتی به نام فردریش ابرت تأسیس شد که نخستین دولت دموکراتیک در آلمان بود. در سال ۱۹۱۹ اعضای مجلس ملی آلمان که غالباً چپ میانه و حامی نظام فدرال و آزادی بی‌قیدوشرط همه احزاب و مطبوعات بودند، قانون اساسی وایمار را وضع و جمهوری وایمار را تأسیس کردند. روایات بسیاری از این دوره نوشته‌اند که از جمله می‌توان به کتاب «تاریخ مختصر جمهوری وایمار» اثر کال استور اشاره کرد که به معاصر وایمار و از آن بسیاری جهات هنوز با ما می‌گویی وایمار به کتاب حاضر بسیاری از پژوهش‌ها، اعم از قدیم و جدید، را گردآوری کرده و کوشیده مدخل آسان‌فهمی را بر تاریخ جمهوری وایمار به مخاطب ناآشنا با این دوره از تاریخ آلمان معاصر ارائه کند. ازاین‌رو، هم سیاست و هم فرهنگ آلمان دوره وایمار را بررسی می‌کند و می‌کوشد آن‌ها را در متن تاریخی و جهانی وسیع‌شان قرار دهد. استور جمهوری وایمار را زاینده شکست نظامی و انقلاب قهرآمیز می‌داند. در نظر او جمهوری وایمار در اوضاعی متولد شد که سرنوشت‌اش را به تحولات جهانی پیوند زد. ازاین‌رو، کامیابی یا ناکامی جمهوری وایمار را از آغاز تا اندازه‌ای در گرو اقدامات دولت‌های دیگر و نوسانات بازار جهانی می‌داند. او در کتاب حاضر نشان می‌دهد دوره جمهوری وایمار مثل تیغ دو دم است؛ اگر از یک‌سو این دوره بازماندگانی دارد که در هر زمینه‌ای، از مستندهای تلویزیونی تا فیلم‌های سینمایی، ره‌مان‌های جنایی، موسیقی پاپ، و حتی قصه‌های مصور کودکان، درکل هنر و ادب و معرفت‌الهام‌بخش‌اند، اگر وایمار آزادی‌های سیاسی را تثبیت کرد، راه‌های تازه‌ای از نمایندگی گشود و این اسکان را برای مردمان

<div><div>تاریخ نخست جمهوری وایمار</div><div><div>جانسون وایمار</div></div></div>
کالی استورور
ترجمه: حسن افشار
ناشر: کیمت
قیمت: ۳۳۵۰۰ تومان

بسیاری فراهم کرد که با گزینش آزادانه‌تر نوع زندگی‌شان آزادتز زندگی کنند. اگر وایمار پیشاهنگ جهان در قانون‌گذاری اجتماعی و تجربه‌گری فرهنگی و مدارای جنسی بود، اگر حق رای برابر با مردان زودتر از هر دموکراسی کهن‌تر اروپای غربی یا آمریکا در جمهوری وایمار به زنان داده شد، اگر از جمهوری وایمار به‌عنوان بهشت بردباری جنسی یاد می‌شود، ولی از سوی دیگر، سایه‌ای تاریک نیز بر سیاست و اقتصاد در جهان امروز افکنده است. نامش با بی‌ثباتی مترادف شده، و به‌ویژه پس از سقوط مالی اخیر جهان، ورد زبان روزنامه‌نگاران و تحلیل‌گران شده است. به باور نویسنده در این دوران نابسانمانی اقتصادی، سیاست‌های ریاضتی، و تدوری سیاسی و مذهبی، تاریخ پرآشوب جمهوری وایمار در آلمان شاید بیش از هر زمان دیگری در هشتاد سال گذشته با جوامع کنونی غرب مناسبت پیدا کرده است. استور نشان می‌دهد که با توجه به همه اتفاقاتی که افتاد، دموکراسی وایمار در نهایت دوام نیابورد و به فاجعه‌ای ختم شد که علاوه‌بر آلمان همه اروپا و جهان را تحت‌تأثیر قرار داد.
باین‌حال، تأکید دارد ارزش انبوه دستاوردهای عمر پانزده‌ساله جمهوری وایمار غیرقابل‌انکار است. در نظر نویسنده، در تلاش برای فهم چرایی و چگونگی فروپاشی وایمار نباید از عناصر مثبت تاریخ آن چشم پوشید. استور تاریخ این جمهوری را تاریخ آفرینندگی و ویرانگری می‌داند، خواه در تشکیل نهادهای دموکراتیک، خواه در بنای جامعه شهری مصرفی مدرن و خواه در خلق آثار هنری باشکوه. او وایمار را دوره‌ای خیره‌کننده در تاریخ آلمان می‌داند زیرا هم بهترین و هم بدترین ویژگی‌های دموکراسی را به نمایش درآورد و نیز نشان داد که وقتی جوامع صنعتی مدرن با شرایط حادی روبرو شوند چه اتفاقاتی ممکن است بیفتد. بنابراین نتیجه می‌گیرد دموکراسی وایمار با نظر به فشارهایی که بدان وارد آمد و مخالفت مستمری که در بخش‌های بزرگی از جامعه آلمان با آن شد، همین که چندصباحی دوام آورد به خودی خود، دستاورد بزرگی بود.

بحران اقتصادی چگونه به روی کار آمدن هیتلر انجامید

آرش روحی



رشدشان فراهم کرد. تس می‌نویسد: «دولتمردان در برابر این تحرکات راست‌های افراطی هیچ موضع‌گیری نمی‌کردند و همین محیط مساعد بود که برای هیتلر و حزب «ناسیونال‌سوسیالیست کارگران آلمان» [حزب نازی] مجالی فراهم آورد تا در عرض چند سال به‌راحتی از اضماع یک سیاست منزوی و منطقی‌ای، خود را به‌عنوان یک عامل قدرت سطح بالا در ابعاد ملی مطرح سازند» (ص ۷۷). در همین زمان سیاست‌های تهاجمی متفقین به‌ویژه فرانسه و اشغال منطقه‌ای از آلمان به‌دلیل عدم توانایی این کشور در پرداخت بدهی‌ها باعث شکل‌گیری همبستگی میان احزاب مختلف شد. سیاست‌های مقاومتی آلمان در برابر توان فرسایشی اشغالگران سبب به‌وجودآمدن فشارهای اقتصادی و تورم بی‌سابقه شد. تس درباره این بحران می‌نویسد: «در ژوئن ۱۹۱۹ دلار آمریکا از ۷ مارک به ۱۴ مارک افزایش یافته بود؛ درحالی‌که در آوریل ۱۹۲۰ به ۸۴ مارک رسید. پس از پذیرش اولتیماتوم لندن، مارک بیش از پیش سقوط کرد؛ چنان‌که نرخ دلار در ژوئیه ۱۹۲۲ به بیش از ۴۹۳ مارک رسید» (ص ۸۷). هم‌زمان با این ابرتورم شمار بی‌کاران نیز در کشور به‌شدت افزایش یافته بود. وضعیت سیاسی آن دوران به‌گونه‌ای شد که بی‌کاران، مستمری‌بگیران، بانزشتگان و کارگران از تورم سخت به تنگنا افتاده بودند. مستمری‌های بانزشتگی و پرداخت‌های اجتماعی به‌هیچ‌عنوان با نرخ گرانی برابری نمی‌کرد.

فصل سوم کتاب با عنوان «دهه طلایی بیست: از خیال تا واقعیت» به بررسی شرایط و برداشت مردم از دهه بیست می‌پردازد. ناراضی‌های ناشی از مشکلات اقتصادی باعث رویگردانی مردم از احزاب میانه‌رو و لیبرال‌بورژوا می‌شد: «وضعیت اقتصادی فاجعه‌بار پیشه‌وران خرد، کارمندان، اداریان، مستمری‌بگیران و بانزشتگان باعث شده بود این اقشار به حزب ملی مردم آلمان و راست‌گرایان افراطی روی آورند» (ص ۱۰۸). شاید از همین‌روی والتر بنیامین سال‌ها بعد نوشت هرگونه ظهور و بروز فاشیسم گروه‌های دست‌راستی مثل «سازمان کنسول» و عدم موضع‌گیری دولت در برابر آنها که بستر مناسبی برای

تاریخ

نگاهی به کتاب «دموکراسی بدون دموکرات‌ها»

بحران اقتصادی چگونه به روی کار آمدن هیتلر انجامید

می‌شد. درواقع، به‌رغم اختلاف نظرهای فراوان احزاب چپ‌گرا همگی براین باور بودند که انقلاب پرولتاریایی و نابودی جامعه بورژوازی-کاپیتالیستی در‌صحن‌وسرای پارلمان به دست نمی‌آید. (ص ۱۵۳) در نهایت، تقابل میان گروه‌های چپ و ناسیونال‌سوسیالیست‌ها در اواخر دوره وایمار به اوج خود رسید. فرهنگ سیاسی که بر فضای چپ‌ها حاکم بود، از چنان گستردگی و ابعادی برخوردار بود که اردوگاه راست یا راست‌افراطی را هرگز باری هم‌وردی با آن نبود. در برابر چپ، «واحد‌ضربت» (همان اس‌آ) از حزب ناسیونال‌سوسیالیست در محلات کارگرنشین شهرهای بزرگ با انگیزه‌های سیاسی اراعایی پدید آورده بود که از لحاظ گستردگی بی‌همتا بود. تقریباً در برابر فرهنگ مبارزاتی که ایده چپ بود، همثابتی دست راستی وجود نداشت، آنچه در اردوگاه فاشیست‌ها به چشم می‌خورد صرفاً ملغمه‌ای از مهاجرستیزی، فودل‌شمذ کتاب به فرهنگ توده‌ای در جمهوری

وایمار می‌پردازد. در واقع پس از پایان جنگ جهانی اول مردم اروپای مرکزی و غربی به سبک زندگی آمریکایی علاقه‌مند شدند و آلمان نیز از این قاعده مستثنی نبود. تس مثالی از آلمان دهه بیست در میان توده‌های می‌آورد: محصولات صنایع فرهنگی و تفریحی ایالات متحده که به وفور به آلمان می‌رسیدند. با مقبولیت عمومی قابل‌توجهی روبرو می‌شدند: پس‌ازآن همه بدبختی بی‌کاری که در بهترین سال‌های جمهوری وایمار نیز به‌نسبت بالا بود، در شرایط پیش‌آمده به‌صورت جهشی رو به فزونی نهاده» (ص ۱۳۳). بحران اقتصادی ۱۹۲۹ به‌اندازه‌ای بر آلمان تأثیرگذار بود که برخی کارشناسان این بحران را از دلایل اصلی روی‌کارآمدن هیتلر می‌دانند. فصل بعدی با عناوین «رایش و ایالت‌ها» به منازعه دو گروه پس از جنگ جهانی اول در آلمان می‌پردازد. گروه نخست خواستار «تجدید بنای رایش» بودند؛ خواسته‌ای که در نهایت با تأسیس جمهوری وایمار به‌عنوان یک حکومت فدرالی اما تمرکزگرا عنایت پیدا کرد. از سوی دیگر، اعتقاد به حفظ تأثیر منفی فدرالیستی که نسل‌به‌نسل در آلمان تداوم یافته بود، در برابر ایده یک دولت تمرکزگرا ایستادگی می‌کرد؛ دراین‌میان جنبش رهایی از برلین که بر طبل مخالفت با نقش راهبری ایالت پروس می‌کوفت، در بسیاری از مناطق رایش گسترش یافته بود. وجود مشکلاتی در ساختار فدرالیستی که باعث تنش در روابط میان ایالت‌هایی مثل پروس و ایالت‌های خرد می‌شد همیشه مانع از قدرت گرفتن جمهوری در آن دوران بود.

در فصل پنجم کتاب، تس به فرهنگ سیاسی دوران جمهوری می‌پردازد. او یک شکاف را سازنده جمهوری می‌داند؛ شکاف میان امیدهای توده گسترده‌ای از مردم که به نظام دموکراتیک دل بسته بودند و امکانات واقعاً موجودی که در یک نظام پارلمانی وجود دارد. تس در ادامه این‌فصل به تشریح نظرات احزاب و چپ و کمونیست‌ها نسبت به دموکراسی پارلمانی در آن زمان می‌پردازد. کمونیست‌ها، پارلمان‌با به هیچ روی نمایان‌کننده اراده مردم و رأی‌دهندگان نبود بلکه تنها سرویسی در خدمت اهداف دیکتاتوری سرمایه‌داران محسوب

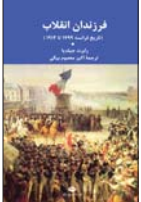


دموکراسی بدون دموکرات‌ها

هندریک ئس
ترجمه: مهدی دینبی
ناشر: نااث
قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

روایتی از عصر انقلاب

معصوم‌بیگی در دسترس است می‌کوشد تقریباً همه جنبه‌های زمانه‌ای پرچوش‌وخروش و در حال دگرگونی و نیز همه جنبه‌های زندگی مردمانی را که در این دوره زندگی کرده‌اند، به دقت روایت و بررسی کند. جیلدیا پنج نسل را گزارش و خاطره انقلاب را نسل‌به‌نسل روایت می‌کند. این پنج نسل را در دوره‌ای تاریخی که برای کتاب تعیین کرده دنبال می‌کند. نخست از نسل کسانی می‌نویسد که حدود سال ۱۷۶۰ متولد شدند. آنها یا در رخداد‌های ۱۷۸۹ و پس از آن شرکت داشتند یا هم‌عصر آن بودند. دوم به نسل آنهایی می‌پردازد که حول‌وحوش سال ۱۸۰۰ به دنیا آمدند و تصور و تجربه‌ای از انقلاب قبلی نداشتند، با این حال فرزندان‌شان نسل سوم را تشکیل می‌دهند که در حدود سال ۱۸۳۰ متولد شدند و کودکی‌شان هم‌زمان بود با شورش‌های ژوئن ۱۸۴۸. چهارم نیز نسل کسانی است که حول‌وحوش سال ۱۸۶۰ چشم به جهان پس از انقلاب گشودند و طی جنگ فرانسه و پروس و حکومت کمون پاریس در فاصله ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۱ کودکی خود را گذراندند. و نسل آخر مدنظر جیلدیا نسل متولدان حدود ۱۸۹۰ است که دور از خانه جان دادند. جیلدیا مواجعات و مشاهدات پنج نسلی را که هم‌پوشانی داشتند تاریخ عصر انقلاب می‌نامد؛ کسانی که نسل‌های فروپاشی سلطنت‌خاندان بوبرین را دیدند، تأسیس و شکست جمهوری اول، ظهور و افول ناپلئون اول، بازگشت سلطنت، برآمدن جمهوری دوم و سوم و از همه مهم‌تر دوره‌ای را دیدند که هنوز به روژهای ما مشکل می‌دهد. محاصل این کتاب را در فصل پنجم کتاب به‌دقت و با جزئیات شرح می‌دهد.



فرزندان انقلاب
(تاریخ فرانسه ۱۷۹۹ تا ۱۹۱۴)
رابرت جیلدیا
ترجمه: اکبر معصوم‌بیگی
ناشر: کیمت
قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

بررسی

تاریخ‌بیداری زنان

● انقلاب مشروطه از مهم‌ترین ادوار تجددگرایی در جامعه ایران است که در آن جامعه سنتی ایران برای نخستین‌بار خواهان تغییرات اجتماعی نوین در سطحی وسیع شد. توجه به مسئله زن و پس از آن مطالبات زنان در این دوره یکی از اصلی‌ترین خواسته‌ها بود که به دلیل وجود ساختارهای مردان و مردسالارانه جامعه ایران، ابتدا از سوی مردان و پس از آن از سوی زنان، طرح و تحلیل شد. کتاب «مشروطه، زنان و تغییرات اجتماعی» نتیجه پژوهشی است که به بررسی تأثیر انقلاب مشروطه بر شئون مختلف جایگاه اجتماعی زنان می‌پردازد. از حضور آنها در جامعه و ایفای نقش‌های اجتماعی گرفته تا تأثیراتی که مشروطه بر ادبیات مربوط به زنان بر جای گذاشت. با وقوع انقلاب مشروطه، زنان حق تحصیل و تأسیس مدارس دخترانه پیدا کردند و بعد از ۱۲۸۹ شمسی با انتشار مطبوعات به طرح مطالبات حقوقی خود پرداختند. مطالباتی که برخی از آنها به نتیجه رسید و برخی دیگر همچنان در جدال سنت و تجدد بی‌باخ مانده است. در این دوره برای نخستین‌بار زانانی مانند طایره و بی‌بی خانم با نگارش مقالاتی چون «مکتوب خانم دانشمند» و «مکتوب یکی از نسوان» از مسئله حقوق اجتماعی «جنس زن» سخن گفته و صد و ده سال قبل از مسأله‌ای چون حق تحصیل برای زنان و ممنوعیت تعدد زوجات سخن به میان آورده‌اند. در مکتوباتی که موضوع اصلی آنها جنسیت است، روابط جنسیتی به‌عنوان یک مسئله اجتماعی مدنظر قرار گرفته است و مهم‌تر آنکه این روابط جنسیتی که مبتنی بر نقش‌های ترسیمی نظام مردسالار برای زنان دوره قاجار بوده‌اند قابل تغییر و حذف تلقی شده‌اند. نتیجه ابتدایی تغییرات اجتماعی مشروطه برای زنان آن بود که به‌عنوان نیمه دیگر جامعه به رسمیت شناخته شدند و در تغییرات زبانی، به جای الفاظی چون «ضعیفه» و «مخدرات» از واژگانی چون زنان و بانوان برای معرفی آنان استفاده شد. انقلاب مشروطه از نظر زبانی، جنسیتی و تغییرات اجتماعی تحولات مهمی در بافت فکری جامعه ایران پدید آورد. از نظر جامعه‌شناسی از پیش از برقراری مشروطه در ۱۲۸۵ شمسی، مردم (در زبان زمانه مشروطه منظور مردان است) رعیت به حساب می‌آمدند و صاحبان قدرت نگهبانان و نگهبانان «رعایای ایران». هم‌زمان با آغاز خیزش مشروطه‌خواهی هرچه به اواخر دوره قاجار و نزدیک می‌شویم ظهور و حضور مردم، در قالب مرد و زن و سبیر صعودی شهروندشدن «رعایای ایرانی» در عرصه سیاسی و اجتماعی را بیشتر می‌توان مشاهده کرد. ازاین‌پس به دنبال این تغییر ساختار زبانی، واژه مردم برای هر دو جنس مرد و زن ایرانی استفاده شد. برای نمونه در این دوره اصطلاح «مردم» در قالب نوین آن مبنی بر شهروندان جامعه مدنظر قرار گرفته است و زنان به‌عنوان فراموش‌شدگان تاریخ به تدریج وارد ساخت «شهوند» شده‌اند.

<div><div>مشروطه، زنان و تغییرات اجتماعی</div><div><div>علی باغدار دلگشا</div></div></div>
ناشر: روشنگران
چاپ اول: ۱۳۹۷
قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان



هرچند از نظر زمانی خیزش اجتماعی زنان در عرص مشروطه هم‌زمان با حرکت‌های فمینیستی زنان در آمریکا مصر و ژاپن است؛ اما به جز مواردی معدود شاهدهی بر ارتباط زنان ایرانی با زنان کشورهای دیگر وجود ندارد. باوجوداین می‌توان ادعا کرد که نوع مطالبات اجتماعی مطرح‌شده از سوی زنان ایرانی هم‌خوانی زیادی با نوع مطالبات اجتماعی زنان در خیزش‌های اجتماعی در کشورهای دیگر دارد. تلاش برای ایجاد مدارس دخترانه و حق تحصیل برای زنان، تلاش برای اشتغال زنان، تلاش برای انتشار روزنامه، تلاش برای حذف آداب اجتماعی غلط و تلاش برای ایجاد تغییرات اجتماعی در قالب تبدیل نابرابری‌های اجتماعی به برابری‌های اجتماعی نشان از تناسب میان نوع مطالبات اجتماعی زنان ایرانی با مطالبات اجتماعی زنان کشورهای دیگر دارد، مواردی که نشان می‌دهد «مشروطه ایرانی» علاوه بر ایجاد تغییرات نسبی در گفتمان سیاسی جامعه ایران، تغییرات اجتماعی مهمی به‌ویژه درباره مسائل زنان پدید آورده است. این کتاب به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول مسائل، مطالبات و اقدامات زنان ایرانی مورد تحلیل قرار گرفته است و در آن به هفت محور پرداخته شده است: مسئله نابرابری اجتماعی در زمان عصر مشروطه، زنان و مسئله حقوق شهروندی در دوره مشروطه، سیر شکل‌گیری مدارس زنان، مسئله «حفظ‌الصحه زنان» (سلامت زنان)، روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه، مطالبات اجتماعی زنان و استفاده از پردازش‌های دینی و بالاخره مقایسه مطالبات اجتماعی زنان ایرانی با زنان کشورهای دیگر. در بخش دوم کتاب نیز تعدادی از نامه‌های انتقادی زنان علیه نابرابری‌های اجتماعی در دوره مشروطه است. در دارای ارزش سندی هستند، درج شده است. وجه مشترک تمام این نامه‌ها عبارت‌اند از: نقد الگوهای جنسیتی جامعه ایران در دوره قاجار، نقد نابرابری‌های اجتماعی، استفاده از الگوهای دینی و اسلامی برای مشروعیت‌بخشیدن به نوع مطالبات و نقد ساختار مردسالارانه قوانین رسمی و هنجارهای اجتماعی که با رویکردی مردانه زمینه‌های محدودیت اجتماعی را برای زنان به بار آورده‌اند.